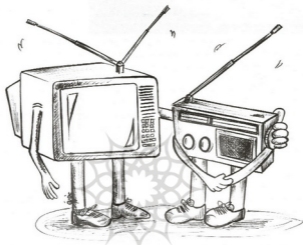


## تاریخچه رادیو و گسترش آن در بریتانیا (قسمت دوم)

# رادیو در کنار تلویزیون



برنامه‌های خاص این رسانه را به تأخیر انداخت؛ مثلاً در شروع کار تلویزیون بی‌بی‌سی، یکی از گروه‌های معروف تولیدی آن گروه تولید گفتگوی تلویزیونی بود که هر نوع تولیدی داشت به‌جز نمایش، سرگرمی، ورزش و هنر. اسم این گروه تولیدی باعث شده بود تا نوع تولید آن ادامه پیدا کند و این نشان می‌دهد که بی‌بی‌سی تا پذیرفتن این واقعیت که تلویزیون و رادیو از نظر ماهیت دو رسانه متفاوت هستند، چه تاوان گرانی داده است. در این میان بسیاری

مچلند خود را شروع کرده اما هنوز به این رسانه، به چشم رادیو به‌علاوه تصویر نگاه می‌کردند. تا آن که تلویزیون در آرسنال می‌دانند که اساساً رادیو نظارت است. قبل از جنگ، تربیت می‌خواست رادیو و تلویزیون را به هم نزدیک کند. بعد از جنگ هم، عالی در فصلنامه بی‌بی‌سی اظهار کرده بود که تلویزیون امتداد بخش رادیو و مکمل آن است و هر دو، اجزای یک واحدند. این تصویر غلط، تا مدت‌ها بر تولیدات تلویزیونی اثر منفی داشت و تهیه

برخی از این تولیدات، اجرای زنده از گسترها را بخش می‌کرد که بعضی از آنها متعلق به خود بی‌بی‌سی بود. اما آنچه به برتری رادیو خانمه داد، تلویزیون بود که جهان لویی برده و دیگران آن را در دهه ۱۹۲۰ اختراع کردند. بی‌بی‌سی بخش آزمایشی تلویزیونی را در سال ۱۹۳۰ شروع و شش سال بعد، بخش مرتب را در لندن و حومه آن با حدود چند هزار بیننده شروع کرد. جنگ، باعث قطع برنامه‌های تلویزیون شد. تلویزیون در سال ۱۹۴۶، بخش



## اولین فرستنده قاچاقی و غیرمجاز دریایی، «رادیو کارولین» بود که بخش برنامه‌هایش را از عرشه یک کشتی در سواحل اسکس در مارس ۱۹۶۴ شروع کرد.

تقی آزادی است.»

رادیو در مواجهه با این رقبا (اول یک شبکه و بعد هم دو شبکه تلویزیونی) که به رخنه‌های سواحل فرانسه فرودفت، به طوری که بعضی‌ها فکر می‌کردند پایان عمر رادیو فرارسیده است. بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۵۸ شونده‌گان برنامه‌های عصر رادیو بی‌بی‌سی از ۱۵ میلیون نفر به ۲۵ میلیون نفر کاهش یافت (سه چهارم این افراد هم کسانی بودند که تلویزیون نداشتند). اگرچه تلویزیون عامل اصلی کاهش شونده‌گان رادیو بود، اما خود برنامه‌های رادیو هم اشکالاتی داشت. هر سه شبکه رادیو هویت برنامه‌سازی خاص و ویژه برای خود نداشتند تا بتوانند طرفداران خاص خود را پیدا کنند. شونده رادیو مجبور بود فهرست جدول برنامه‌های شبکه‌های رادیو را کاملاً بررسی کند تا به برنامه مورد علاقه خاص خود گوش دهد. حتی آن شبکه رادیویی که برای مردم برنامه‌های شاد و سرگرم‌کننده بخش می‌کرد، برنامه‌های سنگین و در سطح بالا بود و شونده‌گان ترجیح می‌دادند به رادیو لوکزامبورگ گوش دهند. از طرف دیگر خیلی‌ها برنامه سوم رادیو را بسیار پرطرفدار و مختص افراد روشنفکر و فاضل می‌دانستند. در عرض پانزده‌ساله که از مدت بخش اسپن شبکه‌های فرانسوی متوسط شونده‌گان آن، دو درصد مخاطبان رادیو بودند. به مرور زمان گوشه‌هایی برای بهتر کردن این وضعیت شد. در سال ۱۹۶۷،

مستقل (آی. تی. ای. یو)، این منازعه‌ها و مناظره‌ها اگر چه بیشتر مربوط به تلویزیون بود، اما تا حدودی شامل حال رادیو نیز می‌شد.

طرفداران انحصار می‌گفتند: «وقایت بساعت پس‌این آوردن اسپن‌استار و کیفیت برنامه‌ها و سوق‌دادن آنها به سوی برنامه‌های عامه‌پسند می‌شود، درحالی که بی‌بی‌سی یک رسانه ملی است.» در همان زمانی که آی تی وی بخش برنامه‌ها را شروع کرد، مدیر عامل وقت بی‌بی‌سی (جاکوب) در یک سخنرانی گفته بود: «باید گفت دلایلی وجود دارد که بی‌بی‌سی قسمت انظم مخاطبان خود را ناپدید گرفته و خود را نسبت به رقابت با تلویزیون تجاری مستقل، متعهد نمی‌داند و این درحالی است که باید برای به‌دست آوردن مخاطبان بیشتر، تن به رقابت داد، در غیر این صورت این آی تی وی است.» که می‌تواند ادعا کند، شبکه ملی تلویزیونی را در اختیار دارد.»  
بی‌بی‌سی برای به‌دست آوردن مخاطبان بیشتر باید تن به رقابت می‌داد و وظیفه و تعهدش را نسبت به تقیه برنامه‌ها برای همه، حتی کسانی که در اقلیت بودند، فراموش می‌کرد. اعتراض به انحصار بی‌بی‌سی تا مدت‌ها ادامه داشت. همان‌طور که اسر فردریک اوجی تی وی «از مدیر عاملان قبلی بی‌بی‌سی» گفته است: «آزادی یعنی قدرت انتخاب داشتن و انحصار بخش، حتی اگر کارایی داشته باشد.» به معنی

از تولیدات و مفاهیم رادیویی بر تلویزیون تحمیل شدند و تلویزیون با تألی سپار، توانست خود را به‌عنوان یک رسانه جدید تثبیت کند.

این تقی که تلویزیون رسانه مکتب رادیوست، نهایتاً باعث خشم بعضی از دست‌اندرکاران باهوش و آینده‌نگر بخش تلویزیون شده بود، بلکه نحوه تولید اخبار تلویزیون را هم تا سال ۱۹۵۵ تحت نفوذ و سیطره خود داشت، اما تا قبل از آن که تلویزیون ورود رسمی خود را، به‌عنوان رسانه‌جمعی برتر، اعلام کند و تا حدی از خاموشی و بی‌روقتی رادیوست برده‌بردارایی بصیرتی رادیو در این زمینه، زبان‌های آشکاری دربرداشت که دو رویداد مهم در دهه ۱۹۵۰ به رشد و گسترش تلویزیون کمک کرد. اولین رویداد، تاج‌گذاری ملکه الیزابت دوم، در سال ۱۹۵۲ بود که دیدن آن حتی در زمان ما از نظر نحوه بخش و پوشش تلویزیونی واقع، جذاب و گیراست. بیش از زیست میلیون نفر (پنجادوش درصد جمعیت) شاهد بخش آن از کلیسای وست مینستر بودند (یعنی بیشتر از کسانی که مراسم را از طریق رادیو دنبال می‌کردند).

رویداد مهم دیگری که منازعه‌ای عمومی در مورد انحصار بخش بی‌بی‌سی را به دنبال خود ایجاد کرد، مربوط به تأسیس یک شبکه تجاری- خصوصی تلویزیونی به نام آی تی وی «زیر نظر اداره تلویزیون

تولید این شبکه از نسیح ساعت ونیم به سه ساعت ونیم در روز کاهش یافت و این دو ساعت را صرف پخش برنامه‌های آموزشی از قبل یویشن‌ها (نحوه پرورش زنبور عسل) کردند که در واقع از نظر تهیه کنندگان با تجربه و بازنشسته قدیمی فقط معرفی ناگارا به شمار می‌آمد. «برنامه سوم» حتی نامش را تغییر داد و لسی تعداد شش‌گانه‌اش بازم کم‌تر شد.

در سال ۱۹۶۲ وقتی ایستگاه‌های پخش تلویزیونی غیرمجاز، وارد میدان شدند، رقابت تلویزیون بی‌بی‌سی دو به آنها بالا گرفت و همین امر رادیو بی‌بی‌سی را دچار افول کامل کرد. شبکه برنامه سوم را باز مله کردند. در طول روز برنامه موسیقی پخش می‌کرد، ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر (به جز ایام تعطیل) برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی داشت و بعد از ظهر‌های یکشنبه هم در این ساعت به برنامه‌های ورزشی اختصاص می‌یافت. در واقع به شکل ایتر و ناقص برنامه قبل درآمد، اما دلیل پایان یافتن دوره محبوبیت این دو شبکه رادیویی، همان جذابیت تصویری تلویزیون بود.

در این میان چند فناوری مهم در پخش، صورت گرفته بود که آینده رادیو را به نحوی تضمین می‌کرد، اما بی‌بی‌سی در استفاده از آنها از بقیه عقب ماند. این فناوری‌ها عبارت بودند از: پخش استریو فونیک، وی‌ای‌اف (VHF) و ترانزیستورها.

اولین پخش آزمایشی صدای استریو در سال ۱۹۵۸ صورت گرفت و پخش منظم آن نیز از سال ۱۹۶۴ شروع شد (امروز صدای استریو از ملزومات اولیه پخش رادیویی است) و به‌ویژه برای افرادی که تلویزیون آنها صدای استریو ندارد، شنیدن موسیقی برنامه به‌صورت هم‌زمان از طریق رادیو امکان‌پذیر شده است.

اما فناوری مهم‌تر، افتتاح اولین فرستنده اف‌ام فرستنده موجود در ۱۹۴۴ در ورنام، در ایالت کنت بود.

یکی از این فرستنده‌ها از اف. ام (FM) هم استفاده می‌کرد و شش‌ده‌گانه آن با استفاده از این نوع پخش، دیگر از خش‌خش امواج، راحت شده بودند. اما نقشی که وی‌ای‌اف

(فرکانس بسیار بالا از ۳۰ تا ۳۰۰ مگاهرتز) می‌بایست در آینده ایفا کند، عبارت بود از تولید برنامه‌هایی با قدرت پخش کمتر، برای مخاطبان و شنوندگان خاص. به این ترتیب صدای اف‌ام، زمینه را برای بسط و گسترش رادیو‌های محلی فراهم کرد.

مهم‌ترین این فناوری‌ها که حتی زودتر از صدای استریو و وی‌ای‌اف، به وجود آمده بود (در سال ۱۹۲۷) و تحولی، هم در فرستنده‌ها و هم در گیرنده‌های رادیویی، ایجاد کرده، تولید اولین ترانزیستورها بود. رادیوهای لامپی قدیمی، بزرگ و گران بودند و در ضمن برق زیادی مصرف می‌کردند، اما رادیوهای ترانزیستوری اشکال مصرف برق را داشتند و مهم‌تر از همه، خیلی ارزان‌تر و کوچک‌تر بودند. آن قدر کوچک که بتوان آن‌ها را در دست گرفت یا در جیب گذاشت و با خود به این طرف و آن طرف برد. فرانک گیلارد، در سال ۱۹۶۲ در نشریه بی‌بی‌سی می‌گوید: «تسترانزیستور، رادیو را به رسانه‌ای قابل دسترسی در همه‌جا تبدیل کرده است. رادیو دیگر آن رسانه‌ای نیست که جای ثابت داشته باشد. این بار رادیو به همه‌جا می‌رود و می‌توان از آن انتظار داشت که در هر زمان، خدمات مورد نظر او عرضه کند. این رسانه روز به روز کاراتر می‌شود، از همین رو کسانی که در آینده، مسئولیت این رسانه را برعهده خواهند گرفت باید کار کرد جدید آن‌ها را در برنام‌های خود جستجو بگردند.

رادیو، دیگر جاسای نباشد در خانه یا کارخانه، فقط افراد می‌توانند آن را بپوشند. ترانزیستوری را با خود به همه جا (کنار دریا، نواحی بیابانی، بیرون شهر و نظایر این) می‌برند. علاوه بر این، فرستنده‌های توانست در حال گوش دادن به رادیو کارش را انجام دهد؛ مثلا باغبانی و یا حتی رانندگی کند. در اوایل دهه ۱۹۶۰ فقط چهار درصد از ماشین‌های انگلیسی مجهز به رادیو بودند، اما در دهه ۱۹۷۰ تعداد ماشین‌های رادیوسوار خیلی زیاد شده بود و رادیو از ملزومات و لوازم استاندارد ماشین محسوب می‌شد. تا سال ۱۹۷۸، شصت و هشت درصد

دستگاه‌های رادیو در بریتانیا ترانزیستوری و قابل حمل و نقل بودند و تا سال ۱۹۹۰ این رقم به هشتاد و پنج درصد رسید. در واقع انقلاب ترانزیستور از آغاز دهه ۱۹۶۰ شروع شد و رادیو که تا آن زمان نفوذ قبلی خود را از دست داده بود و به‌عقل می‌رسید رو به افول است، راهی جدید برای برطرف کردن موانع پیدا کرد. این رسانه درجه ۲، می‌توانست همه‌جا حمل شود و پیام‌هایش را در همه‌جا پخش کند، آن هم به نحوی که حتی یک تلویزیون بر تابلو و قابل حمل و نقل، قادر به

## تلویزیون در سال ۱۹۶۴، پخش مجدد خود را شروع کرد اما هنوز به این رسانه، به چشم رادیو به علاوه تصویر نگاه می‌کردند، نه آن که تلویزیون را رسانه‌ای بدانند که اساسا با رادیو متفاوت است.

این کسار نبود. البته شاید بدینم اگر چه «ترانزیستور» رسانه دوم بود رادیو را توسعه داد و شنوندگان آن حتی می‌توانستند موقع کار کردن از آن استفاده کنند، اما این تلویزیون بود که اوقات فراغت مسرور را برمی‌گرد و از رادیو به عنوان جانشین تلویزیون استفاده می‌شد.

در سال‌های قبل از ورود تلویزیون، صحب‌ها مردها سرکار و زنها در آشپزخانه، هم کارشان را می‌کردند و هم به موسیقی و برنامه‌های رادیو گوش می‌دادند و بعد از ظهرها که وقت فراغت بود کاری به چیز گشوش دادن به رادیو نداشتند. تا مدت‌ها رادیو فقط یک همراه و رفیق کار نبود، در حالی که برای خیلی از مردم، رادیو چیزی بیش از صدای پس‌زمینه کارشان بود، اما اکنون بعد از ظهرهای آنها هم می‌توانست با معاشای تلویزیون پسر شود. در چنین



## انقلاب ترانزیستور از آغاز دهه ۱۹۶۰ شروع شد و رادیو که تا آن زمان تفوق قبلی خود را از دست داده بود و به نظر می‌رسید روبه افول است، راهی جدید برای برطرف کردن موانع پیدا کرد.



پارتده میلیون نفر در توماس بود و تا اوایل سال ۱۹۶۶ تعداد شنوندگان این دو رادیو و رادیو لوکزامبورگ به بیست و پنجاه میلیون نفر هم رسیده بود. برنامه‌های رادیو بی‌بی‌سی شنه این‌که هر برتر باشد درای) متعادل بود. یک‌سوم برنامه‌های رادیو کارولین را موسیقی تشکیل می‌داد و هفتاد درصد شنوندگان آن اقسراد زیر سی‌سال بودند که موسیقی این رادیو را به مثابه صدای پس‌زمینه همراه کار قبول کرده بودند و با توجه به تعداد فراوان شنوندگان، روشن بود که رادیو کارولین و سایر فرستنده‌های غیرمجاز به نیاز مبرم جواب می‌دادند که بی‌بی‌سی از آن غافل شده بود. البته نمی‌توان بی‌بی‌سی را کاملاً سرزنش کرده زیرا این فرستنده‌های قاچاقی دریایی‌نشده بابت صفحه‌های موسیقی پخش شده می‌پرداختند و نه محدودیتی برای خود قائل بودند، ولی بی‌بی‌سی طبق توافقنامه قدیمی با اتحادیه موسیقی بیش از میزان مجاز نمی‌توانست برنامه پخش کند.

دزدی و سرقت واقعی این فرستنده‌های قاچاقی و به عبارتی «دزدان دریایی رادیویی» غضب فرانکس‌ها بود که سرانجام دولت با وضع قانون پخش امواج ساحلی در اگوست ۱۹۶۷ جلوی آنها را گرفت. پیامد این موضوع بسیار جالب بود. بی‌بی‌سی برای پاسخ‌گویی به نیاز مردم به موسیقی یکی از دو فرانکس را که به برنامه‌های شاد و ملایم اختصاص داده بود به یک شبکه ثابت برای پخش موسیقی پاپ با نام «رادیو یک» تبدیل کرد که

درک آن را نداشت. آنها سعی داشتند که ترانزیستور با نجات‌دهنده رادیو از تنگنای اقوال آن، این معنی را می‌دهد که شنونده قادر است دستگاه رادیو را هر جا که می‌خواهد ببرد و تقریباً تمام‌وقت به آن گوش دهد و در همان‌حال کارش را هم انجام دهد. پس به این ترتیب شاید رادیو برایش رسانه‌ای مهم‌تر از یک صدای پس‌زمینه باشد، پس باهم به دنبال ایده‌آل تولید برنامه‌های رادیویی بود.

اولین فرستنده قاچاقی و غیرمجاز دریایی، «رادیو کارولین» بود که پخش برنامه‌هایش را از عرضه یک کشتی در شناختل اسکس در مارس ۱۹۶۲ شروع کرد. تا سال ۱۹۶۷، نه فرستنده غیرمجاز دیگر هم فعالیت می‌کردند. انقلاب ترانزیستور از آغاز دهه ۱۹۶۰ شروع شد و رادیو که تا آن‌زمان تفوق قبلی خود را از دست داده بود و به نظر می‌رسید رو به افول است، راهی جدید برای برطرف کردن موانع پیدا کرد. برنامه رادیو کارولین و برنامه رادیویی دیگی موسوم به «رادیو لندن» که از کشتی دیگری نزدیک به آن پخش می‌شد، بسیار جذاب بود و تأثیر شورانگیزی داشت. نظرسنجی گالوپ نشان داده بود که رادیو کارولین در سه هفته اول پخش خود، هفت میلیون شنونده در میان بیست میلیون مخاطب باقی‌مانده پیدا کرده بود. اگرچه ارقام ذیل چندین هم قابل‌اعتماد نیستند، اما گفته‌اند که در عرض یک سال، شنوندگان روزانه این فرستنده‌های غیرمجاز رادیویی، بین ده تا

شرايطی بود که به هرم فرهنگ «عملی» چه در نظر و چه در عمل، شک و تردید شد، زیرا مخاطبان فریسی آن، دیگر شنونده واقعی رادیو نبودند. در عصر تلویزیون، برنامه‌هایی از نوع برنامه‌های رادیو لوکزامبورگ، با تداوم موسیقی سبک، بیشتر جواب می‌داد و شنونده بیشتری داشت. شواهد حاکی از آن است که بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۰ منحنی رشد علاقه‌مندان رادیو برخلاف تصور و انتظار خیلی از برنامه‌های سنگین به‌طرف برنامه‌های موسیقی و سرگرمی میل پیدا کرده بود.

در سال ۱۹۵۵ متوسط تعداد شنوندگان رادیو لوکزامبورگ بیشتر از شنوندگان رادیو لندن بود و جای تعجب هم نیست، زیرا رادیو لوکزامبورگ خیلی پیش از رادیو بی‌بی‌سی آهنگ‌های محبوب و پرطرفدار پخش می‌کرد. اما رادیو لوکزامبورگ نتوانست از این دوره جدید ترانزیستور در دهه ۱۹۶۰ در زندگی رادیو بهره‌بردارای کاملی کند، زیرا فقط صحرها برنامه پخش می‌کرد و برد آن هم ضعیف بود. در عرض، اینکار عمل را آن دسته از ایستگاه‌های رادیویی غیرمجاز و فرستنده‌های قاچاقی دریایی، در دست گرفتند که رأس ساعت‌های معین، از عرشه کشتی‌ها و قایق‌ها در آب‌های ساحلی انگلستان برنامه پخش می‌کردند. این فرستنده‌های قاچاقی و غیرمجاز دریایی، با الهام‌گرفتن از رادیو لوکزامبورگ (و حتی رادیو آمریکا) کاملاً تجاری عمل می‌کردند و از واقعیتهای آگاه بودند که بی‌بی‌سی قدرت



از سپتامبر ۱۹۶۷ پخش برنامه را شروع کرد. سه شبکه قبلی رادیو نیز با همان برنامه‌های ترکیبی قیبل، برای همه مردم با نام‌های رادیو ۲، رادیو ۳ و رادیو ۴ به کار خود ادامه دادند، در این زمان بی‌بی‌سی در خط‌مشی خود، حجم و تعداد مخاطبان را به‌عنوان معیاری برای تولید برنامه‌های مورد علاقه و خوشایند مردم پذیرفته بود.

اگرچه فرستنده‌های غیرمجاز رادیویی از بین رفتند، اما بزرگ‌ترین دشمن رادیو بی‌بی‌سی (یعنی تلویزیون) پالسی ماند. در همان سال ۱۹۶۷ پخش رنگی تلویزیون بی‌بی‌سی ۲، خود علامت هشداردهنده‌ای بود. تلویزیون، دیگر رسانه‌های اصلی شده بود و رادیو برای بلای خود پایست در جستجوی پیدا کردن بهترین روش‌ها برای جلب و اعتماد مخاطبان و یافتن کارکردها و تولیدات ویژه می‌بود. این مطلب را خود بی‌بی‌سی نیز در جزوه‌ای با عنوان «رادیو و تلویزیون در دهه ۷۰» که آن را در سال ۱۹۶۹ منتشر کرد، آورده است که خبر از برنامه‌ریزی جدی و جدیدی برای رادیو می‌داد. در همان ابتدای گزارش نیز به این موضوع اصرار شده است که رادیو در برابر جذابیت بسیار زیاد تلویزیون تسلیم شده و دیگر یک رسانه ثانوی به حساب می‌آید.

این مطلب در واقع همان نظر «کیلاو» بود که می‌گفت: «رادیو باید کارکرد جدیدی را بپذیرد و بداند که شنوندگانش این رسانه را تنها به عنوان مکمل بعضی نیازها و آن هم در بعضی مواقع به حساب می‌آورند. در این گزارش اضافه شده بود: «آن‌جایی که ممکن است مخاطبان، دیگر تمایلی به شنیدن برنامه‌های ترکیبی نداشته باشند، بنابراین باید از یکنواختی و همسان‌سازی محتوای برنامه‌های شبکه‌های رادیویی (موسیقی همراهِ سا‌اخبار و اطلاعات، سرگرمی و برنامه‌های جدی و عملی) دست کشید و به اختصاصی کردن هر شبکه برای تولید برنامه‌ها پرداخت تا هر شنونده‌ای بتواند سلیقه خاص خود را در شبکه ویژه‌ای دنبال کند. گزارش رادیو و تلویزیون در



## رادیوهای مستقل محلی، دوران پرفرازونشیبی را سپری کرده‌اند. بعضی از این فرستنده‌ها سوپذیری داشته‌اند اما بعضی از آنها هم ضرر کردند و در نهایت، تعطیل و یا در هم ادغام شدند.

دهه ۷۰، در واقع سنگ‌مرز خط‌مشی و اصولی بود که جهان‌رویت، آن را در بی‌بی‌سی پایه‌گذاری کرده بود (که براساس آن شنونده مجبور به شنیدن و لذت بردن از انواع برنامه‌ها بود، زیرا به زعم «ویته» گوش دادن به انواع مختلف برنامه‌ها فرایند و مزایای زیادی را برای شنونده دربرداشت) اما از این پس وظیفه بی‌بی‌سی بشکلی عسرت‌فیه خدمات عمومی و جامع‌نسه به یک شبکه بلکه به شبکه‌های ویژه رادیویی سپرده شد. (نکته‌ای که در کتاب راهنمای داخلی ۱۹۷۸ بی‌بی‌سی نیز آمده است.)

در آوریل ۱۹۷۰ رادیو ۲، ویژه پخش موسیقی شاد و ملایم‌سود. رادیو ۳، گفتارهای رادیویی خود را کم کرد و آن‌را به رادیو ۴، سپرد و در عوض، قسمت اعظم

تولید خود را به موسیقی کلاسیک اختصاص داد، اما هر دو شبکه رادیویی ۲ و ۴، نیز تولیدهای به‌سبک گذشته (اما کم) نظیر برنامه‌های ترکیبی و ورزشی داشتند. رادیو ۴ به شیوه قدیم فعالیت می‌کرد و تولیداتش مرکب بود از برنامه‌های سرگرم‌کننده، اطلاعاتی، گفتار، خبر و مسائل روز. نکته قابل‌توجه این است که باید بدانیم وظیفه جدیدی که بر رادیو بی‌بی‌سی تحمیل شده بود تنها ناشی از ترقی و توقف تلویزیون نبود، بلکه فناوری‌های جدید مربوط به دستگاه‌های رادیو نیز در آن دخیل بود، زیرا در برابر تعداد بسیار زیاد رادیوهای ترانزستوری قابل‌حمل و نقل، سازمان پست قادر به ردیابی آنها نبود تا بتواند آنها را جمع کند و یا عوارضی بر آنها بیند. به این ترتیب عملاً دولت (در مواجهه با میلیون‌ها نفر از افرادی که صاحب دستگاه‌های رادیو بودند) مجبور شد پرداخت

عوارض مربوط به آن را در سال ۱۹۷۱ لغو کند. اما همان‌طور که اسمیت خاطرنشان کرده است، با از بین رفتن این عوارض، وضعیت رادیو در برابر تلویزیون باز هم ضعیف‌تر و بدتر شد، زیرا اقسیمی از بودجه مالی از دست رفت و عاید

زیقب جذاب‌ش (تلویزیون) شد. اگرچه شبکه‌ها رادیو بی‌بی‌سی هم در سال ۱۹۹۰ را ماندازی شد، اما الگوی تولید شبکه‌ها به همان شکل باقی ماند. البته هیچ مدرکی هم نیست که دال بر آن باشد که مخاطبان، خواهان چیزهای دیگر بوده‌اند. پس سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲، مجدداً تمایلاتی برای ساخت برنامه‌های ترکیبی در رادیو یک - که شنوندگان کمی داشت - دیده شد.

تحول عمده دیگر در انگلستان مربوط به رادیوهای محلی است. گسترش رادیوهای محلی، هم میلیون فرستنده‌های بوی اچ اف، بود که از دهه ۱۹۵۰ معمول شده بود و هم به خاطر فرستنده‌های غیرمجاز ساحلی. خیلی هم دور از حقیقت نیست که این فرستنده‌های غیرمجاز بودند که نیاز خلق‌های



را برای عرضه خدمات رادیوهای محلی. که از نظر فنی، سال‌ها امکان عملی شدن آنها بود، بیدار کردند. این فرستنده‌های غیر مجاز که به نحوی پرمی و محلی به حساب می‌آمدند، بر دهنج یک‌گاز آنها از استان‌های داخلی فراتر نمی‌رفت، حوادث و وقایع محلی را پخش می‌کرد و با رنگ و بوی محلی، احصاسات اهالی را تهیج می‌کردند. برخی از آنها نیز به نام همان منطقه بودند (نظیر رادیو لندن و پارادیس اسکس).

اگرچه آنها قدرت پخش سراسری نداشتند اما توانسته بودند احصاسار رادیو بی‌بی‌سی را در هم بشکنند و به نیازهای جواب بدهند که بی‌بی‌سی از آنها غافل بود، و به این ترتیب خودشان یک «صدای» سراسری بودند. شاید آنها همان طور که «آنتونی اسمیت» گفته، به گسترش این خواسته‌های عمومی (که رادیو باید وسیله ارتباطی دو طرفه باشد و بی‌بی‌سی و برگزیدگانش باید از احصاسار خارج شوند) کمک کرده‌اند. به این ترتیب رادیوهای محلی در دل ساختار بی‌بی‌سی حق پخش به دست آوردند و میدانی برای عرضه زندگی فرهنگی اجتماعات محلی فراهم کردند.

بعد از آزمایش موفقیت‌آمیز در سال ۱۹۶۳، بی‌بی‌سی نخستین ایستگاه فرستنده محلی خود را در لایپستر ۱۵۱ در سال ۱۹۶۷ افتتاح کرد و پس از آن در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ فرستنده‌های محلی دیگری را تأسیس کرد که از آنها به مثابه جانشین رادیوهای محلی استفاده می‌شد. اسمیت می‌گوید: «جای تعجب نیست که برنامه‌های تلفنی رادیو ساثونندگان، برنامه‌های فرستنده‌های محلی شود. برنامه تلفنی اولین بار توسط رادیو واتینگهام بی‌بی‌سی در سال ۱۹۶۸ اجراء شد و در واقع فناوری جدیدی در پخش بود که از طریق آن، شنوندگان می‌توانستند صدایشان را از رادیو بشنوند. البته رادیوهای محلی مدت خیلی زیادی ملک طلق بی‌بی‌سی باقی نماندند. در سال ۱۹۷۲ اداره تلویزیون مستقل آی تی وی (ای تی وای) اداره پخش مستقل آی تی وی تأسیس شد و توانست با حمایت دولت وقت (حزب محافظه کار) اجراء تأسیس و گسترش

رادیوهای<sup>(۱)</sup> محلی مستقل موسوم به (آی. ال. آر. ۳) را بگیرد؛ البته «اداره پخش مستقل» تقریباً مانند بی‌بی‌سی هنوز دولتی به شمار می‌آمد، به شرکت‌ها و گروه‌های برنامه‌ساز سفارش کار می‌داد؛ تجهیزات و تأسیسات فرستنده‌ها را در اختیار داشت و خودش هم برنامه پخش می‌کرد، شرکت‌های برنامه‌ساز

## اگرچه تلویزیون‌های ماهواره‌ای، چندان مردم انگلستان را به خود جذب نکرده است (و شاهد این مدعا تعداد بیشتر بینندگان شبکه تلویزیونی زمینی انگلستان است)، اما این فناوری هم، همراه با سایر فناوری‌های صوتی و تصویری، این اثر را بر رادیو داشته‌اند که تعداد شنوندگان آن را باره کمتر کنند

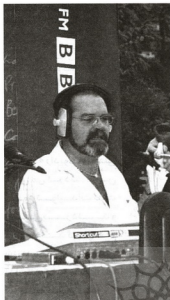
بابت پخش پول می‌پردازند و نوعی ترازن در پخش برنامه‌ها و آکپها وجود داشت. شرکت‌های تجاری آکپها دهنده، فقط حق خرید و تفریحی از پخش را داشتند نه تمام برنامه. زیرا مجازاً به پشتیبانی و حمایت مالی برنامه نبودند.

اولین ایستگاه‌های فرستنده‌های محلی، یعنی رادیو کاپیتال<sup>(۲)</sup> و «کمپانی پخش لندن»<sup>(۳)</sup>، (ویژه خبر) که در سال ۱۹۷۳ در لندن افتتاح شد. از آن زمان تا کنون متجاوز از پنجاه فرستنده محلی در بریتانیا گسترش یافته‌است.

رادیوهای مستقل محلی، دوران پرفراز و نشیبی را سپری کرده‌اند. بعضی از

این فرستنده‌ها سوبری داشته‌اند اما بعضی از آنها هم ضرر کردند و در نهایت، تعطیل یا با در هم ادغام شدند. رادیوهای محلی با مشکلاتی درگیر بوده‌اند، از جمله آن که وسعت آنها در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با گسترش و نهادینه شدن بعضی از فناوری‌های وسایل ارتباطی صوتی و تصویری همزمان شد که حتی کل رادیو را هم به رقابت و مبارزه طلبید. برای مثال تله نکست (پیام نما<sup>(۴)</sup>) از سال ۱۹۷۲ این امکان را فراهم کرده که بتوان آخرین خبرها را روی صفحه تلویزیون دید، بدون آن که منتظر گوش دادن به آخرین خبرهای رادیو بود. ویدئو کاست‌ها، انواع بازی‌های ویدئویی و رایانه‌های خانگی و شخصی به راحتی جایگزین استفاده از رادیو شده‌اند. تجهیزات فیسط در دستگاه‌های گیرنده رادیویی هم باعث شده که بتوان برنامه‌های مورد علاقه رادیویی را ضبط و در اوقات دیگری به آن گوش کرد. خود فیسط صوت، بسیاری از شنوندگان قبلی موسیقی رادیو را به شنوندگان نوار موسیقی از این دستگاه تبدیل کرده‌است. میزان تماشای تلویزیون هم خیلی زیادتر شده‌است، زیرا با آمدن اسپن رقیب و محدودیت‌های پخش، از سال ۱۹۹۰، پخش تلویزیون شش‌ساعتی روزی شد. شروع برنامه‌های صبح شبکه‌های تلویزیون در سال ۱۹۸۳ هم بساط وقت‌های پرشنونده رادیو را جمع کرد. در آخرین فصل همین سال معلوم شد که برنامه‌های صبح تلویزیون باعث شده که ده درصد از میزان متوسط گوش دادن به رادیو کم شده‌است.

همزمان با افزایش ساعدات پخش برنامه‌های تلویزیونی، تعداد شبکه‌ها و کانال‌های تلویزیونی نیز زیاد شد. کانال چهار تلویزیون‌های مستقل در سال ۱۹۸۲ برنامه‌های خود را شروع کرد. از اواسط دهه ۸۰ جواز تلویزیون‌های کابلی هم صادر شد. تلویزیون‌های کابلی، اگرچه صرفه تجاری زیادی نداشته‌اند و نشان داده‌اند که می‌توانند در دوازدهم صد به عنوان رسانه‌های دوسویه و تعاملی دوام بیاورند، فناوری دیگر، مربوط به ورود تلویزیون‌های ماهواره‌ای است. «اسکای تی وی»<sup>(۵)</sup>



برنامه‌هایش را با ارسال از چهار شبکه در سال ۱۹۸۹ شروع کرد. سال بعد، پخش ماهواره‌ای بریتانیا آغاز به کار کرد و به رغم هزینه سنگینی که برای آن شده بود، این ماهواره در فوریه ۱۹۹۱ سقوط کرد و آسکای بی راه انفازی شد. اگر چه تلویزیون‌های ماهواره‌ای، چندان مردم انگلستان را به خود جذب نکرده‌است (و شاهد این مدها تعداد بیشتر بینندگان ۲ شبکه تلویزیونی زمینی انگلستان است) اما این فناوری هم، همراه با سایر فناوری‌های صوتی و تصویری، این اثر را بر رادیو داشته‌اند که تعداد شنوندگان آن را بازم کمتر کنند.

علاوه بر این فناوری‌ها، مسائل اقتصادی و اجتماعی هم باعث شدند که رادیوهای مستقل محلی آن طور که باید و شاید عمل

## اداره پخش مستقل، در عمل برای پاسخ گویی به فشاری که قسمت اعظم آن مربوط به جنبش رادیوهای محلی غیر مجاز بود، ناچار شد راه‌های دسترسی قانونی به پخش را گسترش دهد که نمونه آن دادن بیست و یک جواز رسمی به این فرستنده‌های غیر مجاز بود.

نکته اول آن که رکودهای مکرر اقتصادی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بر منابع مالی عاید از آگهی‌های تجارتنی، اثر منقبض گذاشت و دوم آن که تا اواسط دهه ۱۹۸۰ مقررات سنگین فنی و نظارتی محتوایی بر آنها اعمال می‌شد، زیرا طبق قانون (۱۹۷۳) رادیوهای محلی ملزم به حفظ توازن در تولید انواع مختلف برنامه‌ها و همچنین پخش مستمر برنامه‌های خبری بودند.

در عصر تلویزیون، آن تعداد کمی از مردم هم که به رادیوهای محلی گوش می‌کردند، از این نوع تولیدات لذت نمی‌بردند و آگهی‌های دهنده‌گان هم شنونده‌های خاصی نداشتند که بر آنها سرمایه‌گذاری کنند. به این ترتیب تولید متوازن برنامه‌ها از سبک ناسگین، که هم هزینه تهیه را بالا می‌برد و هم کسی آگهی نمی‌داد تا جریان ضرر شود. به این ترتیب رادیوهای محلی تا مدت‌ها از فناوری پیروی می‌کردند که حتی رقبای دولتی آنها (یعنی رادیوهای بی‌سی‌سی‌ای، ۳۲) به راحتی آن را کنار گذاشته بودند. آسیایین مقررات ناکارآمد بودند، نه تنها به این خاطر که دیگر تلویزیون رسته

اصولی شده بود، بلکه بسا پیشرفت‌های فناوری کرده بود خیلی دست‌یاب‌گر شده بودند. قولی که فریت، برای تولید متوازن همه نوع برنامه وضع کرده بود، مربوط به دوره‌ای بود که رادیو، پخش محدودی داشت و بسه هم‌چون جهت می‌بایست بسا تعداد فرستنده‌های موجود، سلیقه‌ها، نیازهای مختلفاً مردم در نظر گرفته می‌شد، اما با ورود دلف‌آف، که فضای بیشتری برای پخش نوزاد شدن تعداد فرستنده‌ها ایجاد شد، دیگر نیازی به این محدودیت نبود. هر فرستنده‌ای می‌توانست تولید خاص خود را داشته‌باشد و حتی مثل روزنامه از مثنی سیاسی خود پیروی کند. علاوه بر این، فرستنده‌های محلی می‌بایست طبق مقررات از نظرس فنی به بالاترین استانداردها مجهز باشند و هزینه‌های سنگینی هم بابت پخش برنامه بپردازند و این درست در زمانی بود که روز به روز

قیمت و هزینه واقعی پخش، پایین می‌آمد، زیرا هرکس می‌توانست فقط با چند هزار پوند در خانه‌اش یا حتی در یک اتاق، یک فرستنده رادیویی نصب و برای همسایه‌هایش، برنامه پخش کند و همین تفصیلات باعث اعتراض‌های بیشتر به دو انحصار بی‌سی‌سی‌سی و انحصار رادیوهای محلی شده بود. اعتراض کنندگان می‌گفتند وجود این قوانین به معنی بستن در بر روی افراد است و باعث می‌شود اقلیت‌های قومی و گروه‌هایی که صلاحیت خاص‌تری دارند و همچنین اجتماعات کوچک، فراموش شوند و بسه امواج پخش دسترسی نداشته‌باشند. علاوه بر این، رادیوهای محلی مجاز، اجازه تولیدات تئاری نظیر موسیقی راگ ارا نداشتند و مثل فرستنده‌های متعلق به بی‌سی‌سی، پشترانه قوی مالی هم نداشتند. نتیجه این ناراضی‌ها در دهه ۱۹۸۰ این شد





که فرستنده‌های رادیویی خانگی، رادیوهای دانشگاهی، اردویی و رادیوهای مدارس عالی و بیمارستان‌ها گسترش زیادی پیدا کند تا حدی که افراد به صورت انفرادی و با شبکه‌ای، رادیو راه‌اندازی می‌کردند و حتی فرستنده رادیویی «تیمیزده» به خیلی از مردم عادی در جنوب شرقی لندن خدمات لازم را (برای این که بتوانند بخش خانگی<sup>(۳۲)</sup> داشته باشند) عرضه می‌کرد. دولت هم معانعی

## در عصر تلویزیون، آن تعداد کمی از مردم هم که به رادیوهای محلی گوش می‌کردند، از این نوع تولیدات لذت نمی‌بردند و آگهی‌دهندگان هم شنونده‌های خاص نداشتند که برای آنها سرمایه‌گذاری کنند.

نمی‌کرد، زیرا با ایجاد این فرستنده‌های کوچک، اجازه حرف زدن «اما نه بخش واقعی» را به این اجتماعات بسته و کوچک می‌داد. اما این گسترش غیرقانونی پیامدهای مهمی داشت و آن ثبت جنبش فرادیمیونالی بود. جنبش رادیویی پاسخ مستقیمی برای رفع نابرابری‌ها و وضعیت‌های رادیوهای<sup>(۳۳)</sup> مجاز محلی بود. در اواسط همین دهه بعضی از این فرستنده‌های پنجاه گانه، به‌ویژه آنهایی که برای گروه‌های قومی برنامه تهیه می‌کردند. صدایشان در سراسر بریتانیا شنیده می‌شد و خیلی زودتر از آن که وزارت کشور فرصت خاموش کردن آنها را داشته باشد، خود را تثبیت کردند. زیرا بر خلاف فرستنده‌های محلی، هزینه‌ها بسیار ناچیزی برای نصب و راه‌اندازی داشتند و در حال بود که اجازه بخش مجاز به رادیو و لینکینگ در دست‌نقطه‌ها<sup>(۳۴)</sup> و زمانی، داده‌شد که

این فرستنده حدود دوست هزارپوند برای رساندن تجهیزات استودیویی خود به سطح استاندارد و مورد قبول هزینه کرد. در آن زمان یکی از همین فرستنده‌های غیر مجاز محلی در لندن که طرفداران زیادی هم داشت با مبلغی حدود ۱۲۰ پوند، تجهیزات خود را راه‌اندازی کرد. علاوه بر هزینه کم بخش، از آن جایی که این فرستنده‌های محلی غیر مجاز، مجبور نبودند همه نوع برنامه‌ای را تولید کنند، شرکت‌های تجاری و آگهی‌دهندگان، به منظور بخش آگهی برای مخاطبان خاص به آنها روی می‌آوردند.

در سال ۱۹۸۵، یعنی زمانی که وزارت کشور تصمیم گرفت به طور آزمایشی، بیست و یک فرستنده غیر مجاز محلی را قانونی کند، اداره بخش مستقل به هم خیلی از محدودیت‌های مالکیتی خود را برداشت و هم از نظارت بر تولید متوازن برنامه‌ها دست کشید. در این زمان بیشتر تولید رادیوهای محلی مجاز، معطوف به برنامه‌های خبری بود، اما اداره بخش مستقل، به ایستگاه‌های فرستنده خود این اجازه را داد که نیمی از بساط امواج خود را برای جلب مخاطب خاص به کار گیرند. در سال ۱۹۸۸، هجده ایستگاه فرستنده رادیوهای محلی مستقل به این روش عمل کردند. برنامه‌های بی‌طرف‌فرد جوان پسند را روی موج اف ام<sup>(۳۵)</sup> بخش می‌کردند و شنوندگان بزرگسال و میان سال را با موسیقی‌های ملودیک‌های آرام قدیمی که بر روی موج متوسط بخش می‌شد، سرگرم می‌کردند. اداره بخش مستقل، در عمل برای پاسخ‌گویی به فشاری که قسمت اعظم آن مربوط به جنبش رادیوهای محلی غیر مجاز بود، ناچار شد زامه‌های دسترسی قانونی به بخش رادیویشوری دهند. که نمونه آن دادن بیست و یک جواز رسمی به این فرستنده‌های غیر مجاز بود. برخی از این فرستنده‌ها عبارت بودند از: «گروه رادیو اسپکتروم» گروه جاز اف ام در لندن و گروه وی در ناحیه کوچک ساندروئلد. به این ترتیب رشد فزاینده در این دهه، چه در تلویزیون و چه در رادیو، به قدری سریع بود که دولت ناچار شد در کل ساختار بخش خود، تغییرات جدید ایجاد کند. در این میان تغییرات تلویزیون

بیشتر بود. از لحاظ فنی، تولید برنامه هم ارزان‌تر و هم آسان‌تر از سابق شده بود. تلویزیون‌های ماعوارامی و کابلی، کاتال‌های بیشتری را برای تماشا به وجود آوردند. در این میان، وظیفه دولت این شد که هم برای رادیو و هم برای تلویزیون، تسهیلاتی برای دسترسی هرچه بیشتر به امواج فراهم کند و در ضمن نظم‌سی به تولیدات بدهد. البته دولت وظایف دیگری هم داشت؛ نظیر «برداشت حق امتیاز بی‌بی‌سی، درم شکستن انحصارهای مربوط به رادیو و تلویزیون، بخش آگهی‌های تلویزیونی، جلوگیری از پایین آمدن کیفیت برنامه‌ها و تهیه و تولید برنامه‌های آفریقا و گروه‌های خاص».

اگر چه قانون جدید بخش که در سال ۱۹۹۰ وضع شد بیشتر مربوط به تلویزیون بود، اما در رادیو هم تغییرات وسیعی را به وجود آورد. بی‌بی‌سی تقریباً تنها ماند و نادرستی هم نسبت به بخش برنامه برای همه وفادار بود. البته باید گفت قبلاً دولت در سال ۱۹۸۶، کمیته پی کوک<sup>(۳۶)</sup> را مأمور بررسی قبول آگهی از طرف بی‌بی‌سی و خصوصی شدن رادیو یک گروه بود، اما در آن زمان از هر دو تصمیم منصرف شده بود. در قانون جدید اداره بخش مستقل به دو سازمان مستقل «تلویزیون و رادیو» تجزیه شد که نسبت به گذشته خود مقررات آسان‌تری داشتند. «آی‌آر» یا رادیو مستقل محلی نیز خود را از آخرین بقایای اصلی و واقعی در سطح ملی رخ دادید. سه فرستنده جدید سراسری اجازه بخش پیدا کردند؛ دو فرستنده روی موج متوسط و یک فرستنده روی موج اف ام<sup>(۳۷)</sup>. بی‌بی‌سی هم مجبور شد برای آنها جای باز کند.

در سپتامبر ۱۹۹۲ موسیقی کلاسیک موج اف ام (این فرستنده تجاری در سطح ملی) بخش خود را آغاز کرد و هشت ماه بعد



فرستنده «ویرجین» موسیقی راگ قدیمی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ را به صورت سراسری پخش می‌کرد. در سال ۱۹۹۵ فرستنده سراسری دیگری که برنامه‌ها را بیشتر با حرف و گفتار پرمی‌کرد به آنها اضافه و پروانه کار هشت‌ساله برای آنها صادر شد. اداره رادیو در اواخر سال ۱۹۹۲ به پنج فرستنده جدید اجازه فعالیت داد. به‌رغم تمام این رویاندها، رادیوهای مستقل چشم‌انداز مطمئنی نداشتند. ممکن است رقابت آنها با هم به‌جای آن‌که باعث تنوع و کیفیت بهتر برنامه‌ها شود، نقطه به افتخالی بیشتر در تولید برنامه‌های تکراری و شبیه‌هم بینجامد. رادیوی تجاری ملی هم، ممکن است رونق بگیرد و قسمتی از مخاطبان رادیوهای محلی و جمعی از آگهی‌های آنها را به خود اختصاص دهد. رادیوهای محلی که اکنون تولیدات آنها رنگ و بوی محلی کمتری دارد، همیشه دوره‌های سختی را پشت سر گذاشته‌اند. اگر چه در سال ۱۹۹۲ رادیوی محلی اوی براف ام، توانست جایزه بهترین فرستنده رادیویی را به‌عناوین حفظ روح محلی در برنامه‌ها و نوآوری‌ها زیاده از آن خود کند. اما مرگ رادیو لوکزامبورگ در سال ۱۹۹۱ (که موجبات آن را ابتدا رادیو یک و بعد هم رادیو اف ام فراهم آوردند) خود نشانی از ماجرای غم‌انگیز و تاریک زمانه بود.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد میزان گوش دادن به رادیو به حد اشباع رسیده است. بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ تولیدات رادیو در بریتانیا حدود شصت و پنج درصد افزایش داشت، اما متوسط شنوندگان هفتگی آن در طی همین دوره فقط هفده درصد افزایش یافته بود. در این‌حال از سال ۱۹۸۹ به‌این‌طرف رادیو ایرلند (تلاتیوک ۲۵۲) روی موج متوسط، شنوندگان بریتانیایی بسیاری پیدا کرده است (قابل توجه کارشناسانی که رونق و پیشرفت رادیو را فقط روی موج اف ام می‌بینند). همان‌طور که بسیاری از کارشناسان رسانه‌ای نظیر استوارت و مسک کیب خاطر نشان کرده‌اند، سؤال واقعاً مهم این است که آینده بی‌بی‌سی چیست؟ آن‌طور که

از فعالیت‌های رادیو بی‌بی‌سی برمی‌آید هنوز شاداب و سرزنده و خوش‌بین است. در سال ۱۹۹۰ بی‌بی‌سی ۴ شبکه اصلی خود را به موج اف ام منتقل کرد و «رادیو ۱۵» را روی موج متوسط افتتاح کرد. بی‌بی‌سی شبکه «۴ رادیو» را با برنامه‌های ترکیبی، برای طرفداران کم ولی باوقاش (که واقعا شنونده برنامه‌ها هستند نه آن‌که سراسری به آن گوش کنند) حفظ کرد. علاوه بر آن سعی کرد که از «رادیو ۵» هم برنامه‌های ترکیبی متنوع نظیر: گزارش‌های ورزشی، مجله رادیویی و برنامه‌های آموزشی برای مدارس پخش کند. عده‌ای، «رادیو ۵» را کاری شجاعانه برای حفظ طرفداران قدیمی می‌دانند و عده‌ای هم آن را اشتهای نارنجی احساسه دیگری می‌پندارند. «رادیو ۴» هنوز به‌عناوین سابقه و شهرت قدیمی‌ش مورد توجه است؛ برنامه‌های متنوع پخش می‌کند و می‌خواهد هویتی منسجم و منطقی از خود (به عنوان شبکه‌ای باتولیدات گفتاری، خیر و پخش گزارش‌های مربوط به اوضاع عمومی) نشان دهد. به «رادیو ۵» که به هر حال شبکه «رادیو ۴» را نداشت به چشم «رادیو یک» می‌شد که در پاسخ به چشم‌پوشی رادیویی دولت متولد شده است و بعدها هم از آن به عنوان رادیویی استناد شد که برنامه‌های به‌مدت کوتاهی را که هیچ یک از شبکه‌ها مناسب پخش نمی‌داشتند، از سال ۱۹۹۲ به‌صورت خبرهای پسرشونده و خبرهای ورزشی و نظایر آن پخش کند.

اما «رادیو ۵» و «رادیو ۴» بی‌بی‌سی هنوز محبوب و مشهورند و باز هم طرحی در دست است که این دو شبکه رادیویی را از بقیه فرستنده‌های موسیقی پاپ متمایز کند و تولیداتی هم‌راه با گفتارهایی در حوزه هنر، مذهب، وقایع اجتماعی و آموزش مربوط به شنوندگان رایبه آن اضافه کنند. مشابه همین طرح، قرار است در رادیوهای محلی بی‌بی‌سی هم اجرا شود که در آن حرف و گفتار بیشتر باشد و به عنوان مکمل رادیوهای مستقل محلی - که عمدتاً موسیقی پخش می‌کنند - عمل کنند. مفهوم ضمنی تمام این طرح‌ها تعریفی جدید و جذاب از مفهوم قدیمی عرضه خدمات پخش برای

عموم است، زیرا منظور از آن تولید به شیوه گذشته نیست بلکه اطلاعات برنامه، نوعی خدمات عمومی مورد نیاز مردم، نظیر مسائل کاریابی و اشتغال و یا مبارزه با اعتیاد را عرضه می‌کند. اما این خط مشی، پر مخاطره است، چون بعید نیست که با کاهش برنامه‌های موسیقی این شبکه‌ها، شنوندگان آن هم کم شوند و شاید در آن زمان دیگر پرداختن عوارض مربوط به آن - که هنوز هم معمول است - توجیه‌پذیر نباشد، زیرا اگر

**رادیوهای محلی که اکنون تولیدات آنها رنگ و بوی محلی کمتری دارد، همیشه دوره‌های سختی را پشت سر گذاشته‌اند. اگر چه در سال ۱۹۹۲ رادیوی محلی «وی پر اف ام» توانست جایزه بهترین فرستنده رادیویی را به خاطر حفظ روح محلی در برنامه‌ها و نوآوری‌ها زیاد از آن خود کند، اما مرگ رادیو لوکزامبورگ در سال ۱۹۹۱ خود نشانی از ماجرای غم‌انگیز و تاریک زمانه بود.**

شنونده رادیو او حتی بیشتر از آن، بیننده تلویزیون) تمام و یا اکثر وقت خود را صرف ایستگاه‌های فرستنده‌های تجاری بکند، چرا بایشی برای حمایت مالی بی‌بی‌سی عوارض تحمیلی بپردازد؟ و این نکته دقیقاً سال حیاتی سرنوشت‌ساز برای بی‌بی‌سی (یعنی سال ۱۹۹۶) را به‌خاطر می‌آورد که در



این مقطع، مسئله حمایت مالی بی‌بی‌سی و پرداخت عوارض و بودجه مالی آن بازرگاری شد. در آن زمان با گسترش کانال‌های رادیویی و تلویزیونی، سهم بی‌بی‌سی در بازار رقابت کم شده بود و گرفتن عوارض، ظاهراً دیگر توجیه‌پذیر نبود. به این ترتیب سؤالی مطرح شد که بی‌بی‌سی چگونه می‌تواند به‌صورت یک نهاد خدماتی عمومی باقی بماند؟ اگر در آن زمان به بی‌بی‌سی اجازه پخش آگهی می‌دادند (فشار آگهی هتدها برای جلب مخاطبان خاص، برنامه‌سازی را تحت‌الشعاع قرار می‌داد) و اگر قرار بود با همین عوارض بودجه آن تأمین شود، آیا ملتی که عادت به گوش کردن رادیوها و دیدن تلویزیون‌های مستقل داشتند، حاضر بودند عوارضی به این گزافی را برای تولید برنامه‌های برای عموم بپردازند؟

اگرچه این منظر نامطمئن تا حد زیادی دستاورد پیشرفت‌های فناوری است، اما در عین حال نباید فراموش کرد که همین فناوری‌ها هم گوش‌دانه به رادیو را لذت بخش‌تر و راحت‌تر از قبل کرده است. با گسترش پخش شنیداری دیجیتال (DAB) و کسب در آن سیگنال و علامه در ایستگاه‌های فرستنده به‌صورت لزام گذرانی شده و سپس به‌وسیله دستگاه‌های رادیویی هم‌زمان با یکدیگر می‌شوند، صداهای اضافی کاملاً حذف می‌شود و کیفیت صدا آنگقدر بالا می‌رود که گویی شنونده موسیقی را از یک سی‌دی با کیفیت می‌شنود.

از آن مهم‌تر، فناوری د‌آر دی‌اس به‌نظام داده‌سازی رادیویی است (DAB) که حتی قادر است با تنظیم فیلتر، کانال‌ها را در آن زمان معین عوض کند. این سیستم از یک پانل بهن بخش اف‌ام برای فرستادن اطلاعات و داده‌ها (فوردی و خروجی) استفاده می‌کند. به‌علاوه سیستم صدای آن خودکار است و بدون برنامه‌ریزی قبلی قوی‌ترین سیگنال و علامت را برای گوش‌کننده کیفیت صدا انتخاب می‌کند. به این ترتیب اگر مونوسوروی بخواید با سرعت دوپست‌وسی‌وقت مایل در ساعت در سفری، از اکثر به شیلد) حرکت کند،

دستگاه گیرنده رادیویی او روی یک صفحه نمایش به‌طور خودکار نام فرستنده‌های رادیویی را که به آن گوش می‌دهد، نشان خواهد داد. (رادیو به‌طور خودکار روی هفت موج تنظیم می‌شود و اگر بخواید در طول سفر از اخبار و اطلاعات مربوط به آن نیز باخبر شوید، می‌تواند رادیو را از قبل طوری تنظیم کند که در رأس زمان‌های معین

## بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ تولیدات رادیو در بریتانیا حدود شصت و پنج درصد افزایش داشت، اما متوسط شنوندگان هفتگی آن در طی همین دوره فقط هفده درصد افزایش یافته بود.

به‌زوی کانال مورد نظر برود و دوباره به موج اصلی برگردد. «آر دی‌اس» در آینده طرفداران بیشتری خواهد یافت. به‌ویژه در میان مخاطبان خاص، میزان وفاداری آنها را به فرستنده‌های مورد علاقه‌شان بالا خواهد برد. در تلویزیون همین وفاداری کمتر است؛ (بسیار آینده‌ها شاید برای انتخاب برنامه‌های مورد علاقه، کانال‌ها را عوض می‌کنند اما شنونده رادیو معمولاً رادیو را روی کانال خاص مورد علاقه‌اش ثابت‌نگه می‌دارد و فقط دکمه روشن و خاموشی را فشار می‌دهد. البته دو دلیل اصلی هم وجود دارد؛ اول آن‌که چون شنونده رادیو آن را به عنوان صدای پس‌زمینه گوش می‌دهد، نسبت به آن قسمت‌هایی که مسورد علاقه‌اش نیست، صدای بیشتری نشان می‌دهد و دوم آن‌که تنظیم مجدد ایستگاه رادیو دقت و حوصله بیشتری می‌خواهد. به همین جهت شنوندگان رادیو، وفاداری بیشتری نسبت به فرستنده مورد نظر خود دارند. علاوه بر این د‌آر دی‌اس تسهیلات

دیگری هم عرضه می‌کند. شنونده فقط دکمه انتخاب روی برنامه خاص (اخبار، موسیقی، راک، گزارش‌های روز، موسیقی کلاسیک، نمایش و...) را فشار می‌دهد و رادیو به‌طور خودکار در میان موج‌های مختلف، برنامه مورد علاقه او را جستجو می‌کند و روی آن تنظیم می‌شود. به این ترتیب سیستم، علاوه بر ایجاد وفاداری به فرستنده خاص، می‌تواند وفاداری عمیق‌تری هم ایجاد کند (یعنی وفاداری به برنامه‌های مورد علاقه). اگرچه این سیستم سال‌هاست که به بازار عرضه شد. اولین بار در ماشین‌های ولوو در سال ۱۹۸۸ نصب شد. اما پیشرفت زیادی نداشته است، شاید به‌این خاطر که بیش از دو برابر یک رادیو معمولی قیمت دارد. البته این احتمال هم هست که در آینده، طرفداران زیادی پیدا کنند. به‌عمر حال این سیستم، چه باعث آزادی عمل و راحتی بیشتری برای شنوندگان رادیو بشود و چه فرستنده‌های رادیویی را وادار به رقابت بیشتر برای جذب مخاطب بکند، در هر دو صورت مثبت خواهد بود.

1. T independent Television Authority
2. Jacob
3. V.H.F. (very high frequency).
4. F.M frequency modulation
5. Leicester
6. I m dependent Broadcasting Authority (IBA)
7. I m dependent Local Radio (ILR)
8. capital radio
9. London broadcasting company
10. Teletext
11. sky tv
12. Radio thamesmead
13. Community Radio
14. pencok
15. Digital broadcasting radiot(DAB)
16. Radio data system (RDS)

